

بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پابندی به ارزشها با میزان مهاجرت دانش آموزان المپیادی به خارج از کشور

دکتر کیومرث فلاحي^۱

چکیده

سرمایه انسانی مهمترین عامل توسعه و پیشرفت جوامع گوناگون است و نخبگان نقشی تعیین کننده در آن دارند. در ۱۴ سال گذشته، ۶۲ درصد از دانش آموزان مدال آور المپیادی کشور، ترک وطن کرده و به کشورهایی چون آمریکا و کانادا کوچیده اند. هدف این نوشتار بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پابندی به ارزشها در میان دانش آموزان برتر المپیادی با میزان گرایش مهاجرت در میان آنان بوده است. این بررسی با روشهای توصیفی از نوع پیمایشی به انجام رسیده و برای شناخت ابعاد آن از تحقیقات تاریخی نیز بهره گرفته شده است. حجم نمونه پژوهش با بهره گیری از فرمول کوکران، به شیوه تصادفی و خوشه‌ای، ۳۰۰ نفر بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم افزارهای معتبر و شاخصهای آماری توصیفی و استنباطی و جدولهای توزیع فراوانی و محاسبه درصدها صورت گرفته است. اعتبار پرسشنامه‌ها با دوبار آزمایشی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام یافته و روایی آنها تأیید شده است. در نهایت در میان انگیزه‌های درونی و بیرونی مهاجرت در جامعه نمونه مورد نظر، نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی (هویت، خانواده، پابندی به سنتها و ...) تاثیر بیشتری داشته است. یافته‌های این بررسی نشان داده که در میان دانش آموزان المپیادی که تعلق خانوادگی، هویت ملی و پابندی به ارزشها از جمله باورهای مذهبی قوی‌تر بوده، گرایش به مهاجرت کمتر بوده است. این بررسی از میان نظریه‌های موجود به نظریه اجتماعی و فرهنگی و آرای پژوهشگرانی مانند «لی»، «پیکوت»، «براون» و «میر» که مهاجرت را همواره ارادی نمی‌دانند و به کششها و رانشهای مقصد و مبدا توجه می‌کنند، نزدیکی بیشتری دارد.

کلید واژگان: دانش آموزان المپیادی، استعدادهای درخشان، گرایش به مهاجرت، خانواده، هویت ملی، ارزشها

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۲

kewmarsf@yahoo.com

۱. عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشکده تعلیم و تربیت

مقدمه

کوچ سرمایه‌های انسانی از مسائل و معضلات مهم کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و حتی برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته است (وود^۱، ۲۰۰۹). در کشورمان ایران در سالهای اخیر، معضل فرار مغزها به تدریج به یک بحران اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده است، به گونه‌ای که براساس برخی یافته‌ها، خسارت سالانه ناشی از خروج سرمایه‌های فکری، بیش از سه برابر درآمدهای نفتی کشور برآورد شده است (وقوفی، ۱۳۸۰). ۶۲ درصد از دانش‌آموزان مدال‌آور المپادی کشور طی ۱۴ سال گذشته به کشورهای توسعه‌یافته دنیا اعم از ایالات متحده آمریکا و کانادا مهاجرت کرده‌اند (ایسنا، خرداد ۱۳۹۱). طی بررسی صورت گرفته از مجموع ۲۲۵ دانش‌آموز ایرانی که در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ در ۵۳ المپاد جهانی شرکت کردند بیش از ۱۴۰ نفر معادل ۶۲/۲ درصد آنها هم‌اکنون در یکی از دانشگاههای مطرح دنیا در آمریکا و کانادا تحصیل می‌کنند. هم‌اکنون ۶۹/۲ درصد مدال‌آوران المپیادهای فیزیک، ۷۶/۶ درصد ریاضی، ۵۰ درصد کامپیوتر و ۵۰ درصد شیمی، خارج از مرز جغرافیایی کشور هستند و میزبانان آنها دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی برتر و تاثیرگذار دنیا همچون دانشگاه هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی^۲، کالیفرنیا^۳، کمبریج^۴، جان هاپکینز^۵ و پرینستون^۶ در آمریکا و دانشگاه تورنتو^۷ و سایمون فریزر^۸ در کانادا هستند. مبدأ ۹۴ درصد آنها سکوی پرتابی به نام «دانشگاه صنعتی شریف است» و مقصد ۶۶/۴ درصد آنها آمریکاست. هم‌اکنون چهار تا پنج میلیون مهاجر ایرانی در ۳۲ کشور جهان حضور دارند. بیش از ۵۰۰ پروفیسور ایرانی (معادل با یک پنجم کل استادان ما در داخل کشور) در ایالات متحده به سر می‌برند (ایسنا، خرداد ۱۳۹۱). همچنین براساس یافته‌های پژوهشی، سه تا چهار نمره از میانگین ضریب هوش ایرانیان بر اثر مهاجرت نخبگان کاسته شده است (نجاتی، ۱۳۹۱) و غم‌انگیزتر آنکه براساس پژوهش صورت گرفته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد دانشجویان دکترای آن دانشگاه که موفق به دریافت مدرک دکترای خود شده‌اند در اندیشه مهاجرت هستند (منتظر، ۱۳۸۲). به گونه‌ای که نماینده سازمان بین‌المللی مهاجرت در سمینار "گزارش وضعیت جمعیت جهان" از کوچ سالانه ۱۸۰ هزار نفر تحصیل‌کرده ایرانی خبر داده است (اولیایی،

1. Wood

2. Massachusetts Institute of Technology

3. University of California

4. University of Cambridge

5. Johns Hopkins University

6. Princeton University

7. University of Toronto

8. Simon Fraser University

(۱۳۸۵). در حال حاضر بیش از ۲۴۰۰۰۰ نفر از نیروهای تحصیل کرده ایرانی با مدارک تحصیلی دکتری و مهندسی در امریکا ساکن هستند (بررسی وضعیت علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن امریکا، ۱۳۷۲، ص ۸۱). از ۲۶۳ نفر مدال آور المپیادهای علمی بین المللی در سالیان اخیر فقط ۱۸ نفر به کشور بازگشته اند و ۹۰ نفر آنها در دانشگاههای آمریکا تحصیل می کنند، از هر ۹۶ دانشجوی اعزامی به خارج تنها ۳۰ نفر به ایران باز می گردند (آسمند، ۱۳۸۵). از مجموع ۷۶۱ نفر دانشجویی که مدت بورسیه آنان در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ خورشیدی به اتمام رسیده است، ۷۲ درصد به کشور باز نگشته اند^۱ (حاج محمدی، ۱۳۸۲). این تنها شمه ای از بحران است. آموزش عالی در جهان شکل تجارت به خود گرفته است، دانشگاههای کانادا، استرالیا و نیوزیلند به موضوع جذب دانشجوی خارجی اهتمام جدی دارند (گلاسمن^۲، ۲۰۱۴). همه ساله دانشگاههای استرالیایی و کانادایی با حضور در دو نمایشگاه اختصاصی دانشگاهی، در شهرهای امارات عربی متحده، با ارزیابی مدارک تحصیلی داوطلبان در محل نمایشگاه، مبادرت به پذیرش دانشجو می کنند. دولت استرالیا دستیابی به درآمد ۵۰۰ میلیون دلار از محل پذیرش دانشجوی خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. درآمد آمریکا از محل جذب دانشجویان خارجی نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده است. برای بهره وری بیشتر از نیروی انسانی و تبیین و تعیین راهبردهای اساسی برای نگهداشت مغزها و نخبگان، نخستین گام درک ابعاد مسأله، تعریف صحیح موضوع و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر آن است که بارزترین آن، پدیده مهاجرت و فرار مغزهاست (کراش^۳، ۲۰۰۶). مهاجرت نخبگان علمی و مدال آوران المپیادها از کشور تبعات منفی در پی دارد. دولت باید شرایط و امکانات را به گونه ای فراهم کند که ضمن پیشگیری از خروج نخبگان علمی، روند مهاجرت این افراد شکل معکوس بیابد. متأسفانه توجه مسئولان به ورزشکاران مدال آور بسیار بیشتر از توجه به نخبگانی است که در المپیادهای علمی برای کشور مدال کسب کرده اند، این دیدگاه باید اصلاح شود (محسنی ثانی، ۱۳۹۱). نکته دیگری که بایستی بدان پرداخته شود، وضعیت فرهنگی مهاجران در مقصد است. مهاجرت یک روند اجتماعی است و پیامدهای زبانی، اجتماعی، فرهنگی و روانی گوناگونی دارد که هویت و ارزشهای مهاجر را دستخوش تغییر می سازد. مهاجرت سبب ایجاد تماسها، برخوردها، ارتباطات گوناگون و ... در جامعه میزبان می شود که گسترش این عوامل موجب به وجود آمدن پدیده دو زبانگی و چند زبانگی در سطح فردی و اجتماعی می شود چرا که

۱. ۲۳ درصد در حال تحصیل هستند و حدود ۵ درصد به کشور برگشته اند.

2. Glassman

3. Crush

مهاجر ناگزیر، به انطباق زبانی و فرهنگی با جامعه میزبان دست می‌زند و تلاش می‌کند به گونه ای کم و بیش عادی در جامعه جدید جایگاهی پیدا کند. بنا بر نظریهٔ بوتنهٔ ذوب و سیاست همگون سازی و ادغام مهاجران به عنوان دیدگاه غالب، بر آن بوده است تا در ایالات متحده آمریکا، مهاجران را در فاصله چند نسل در جهت زبان انگلیسی و فرهنگ آمریکایی هدایت کند (مدرسی، ۱۳۹۴). یکی از مواردی که می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کلان کشور در بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی و تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و تغییر تهدیدها و چالشها به فرصتها کمک کند، آموزش و پرورش و بهره‌گیری از استعداد و زمینه‌های بالقوه این نهاد فراگیر و ژرف‌تأثیر است. شناخت روحیات و نگرشهای نوجوانان و جوانان دانش‌آموز و کسانی که هنوز تصمیم به مهاجرت نگرفته‌اند اما در آینده‌ای نه چندان دور به احتمال زیاد به موضوع و مصداق «فرار مغزها» و نیروهای متخصص، بدل خواهند شد، می‌تواند به اتخاذ تصمیمها و تعیین راهبردهایی مناسب در تعلیم و تربیت منجر گردد که شرایط روحی و زمینه‌های فکری را به گونه‌ای فراهم و آماده سازد تا جوانان نخبه، به‌آسانی هدف «شکار مغزها» قرار نگیرند یا خود، مغزهای آماده برای گریز یا مهاجران مجازی نباشند. از آنجا که مهاجرت در میان ملت‌هایی چون ژاپن که در میان آنان حفظ هویت و ارزشها و عرق ملی، بیشتر است، کمتر صورت گرفته است، پژوهش در این مورد می‌تواند راهگشا باشد. برای مثال نهاد تعلیم و تربیت این کشور کتابی با نام «اصول اساسی موجودیت ملی ژاپن» را منتشر کرده است که در آن به شرح ملیت و فلسفه رسمی ژاپن برای معلمان پرداخته است (صفوی، ۱۳۸۶).

بیان مسأله و ضرورت انجام تحقیق

تردیدی نیست که نیروی انسانی نخبه، از عوامل مهم رشد و توسعه هر کشور است. با قاطعیت می‌توان گفت این عامل در صدر دیگر عوامل قرار می‌گیرد. ملت‌هایی که به رشد و توسعه دست یافته‌اند، در کنار منابع طبیعی از دانش و فناوری لازم برخوردار شده‌اند و با استفاده مناسب از توان نیروهای انسانی نخبه و متخصص، نظام دستگاه تعلیم و تربیت و نهادهای فرهنگی و دانشگاهی و اقتصادی و اجتماعی خود را به گونه ای طراحی کرده‌اند که ضمن مهارت آموزی، انگیزه‌های لازم را نیز در نیروهای مستعد برای ماندن و خدمت تقویت کرده‌اند تا آنان یاری‌رسان کشور و ملتی گردند که با درآمد و مالیات خود در راه تعلیم و تربیت نوباوگان میهن، هزینه‌های مادی و معنوی غیرقابل محاسبه‌ای را بر دوش کشیده‌اند. مهاجرت فرآیندی پیچیده و وابسته به عوامل متعدد فرهنگی، شغلی، اقتصادی، آموزشی، علمی، سیاسی و حتی ایدئولوژیکی است و این عوامل دست

به دست هم می‌دهند و سبب می‌شوند تا فرد از تاریخ و جغرافیای خاصی که تمامی هویت فرهنگی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهد، جدا شود و به جایی دیگر پناه ببرد. اما باز هم نکته‌ای مهمتر در این میان نهفته است. فاجعه خروج نخبگان تنها فرار مغزها از کشور به صورت فیزیکی آن نیست، فاجعه اصلی شکل‌گیری اندیشه فرار و گرایش باطنی به رفتن و مهاجرت از میهن است، چرا که مهاجرت ظاهری، مسأله‌ای اساسی و ریشه‌ای نیست. شمار مهاجران بالقوه گرچه در آمارها محاسبه نمی‌شوند اما خسارت آن بارها بیش از مهاجران واقعی است، مهاجر بالقوه هرچند در وطن خود حضوری جسمانی و قراردادی دارد اما فاقد انگیزه نوآوری، مشارکت و تلاش است و چون قادر به تحمل یا تغییر شرایط نیست، به مرور از جامعه فاصله می‌گیرد و چه بسا به عنصری مزاحم و اخلاک‌گر نیز بدل گردد (فلاحی، ۱۳۸۷). این معضل و رفتار همانند دیگر رفتارهای اجتماعی، ریشه در باورها، دیدگاهها، نگرشها و در نهایت گرایش یا سوگیری افراد نسبت به موقعیت مبدأ و مقصد دارد که متأسفانه با وجود نقش خاص ابزارها و رسانه‌های گسترده کشورهای قطب و صاحب سرمایه، ابعادی جدید و پیچیده‌تر به خود می‌گیرد. گذشته از برخی نظرات و دیدگاههای متناقضی که در مورد فرار و مهاجرت مغزها وجود دارد، عده‌ای آن را در مجموع برای دانش جهانی و پیشرفت علوم مفید دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را برای کشور صادرکننده و مبدأ مفید و سازنده ارزیابی کرده‌اند. جامعه‌شناسان سوسیالیست از آن به منزله قاجاق «سلولهای خاکستری» یاد کرده‌اند و آن را طرحی استثماری برای ربودن مغزهای متفکر کشورهای در حال توسعه تلقی کرده‌اند (فلاحی، ۱۳۸۷). آنچه مسلم است در حال حاضر این امر هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گرانی را بر کشور تحمیل می‌کند. میزان انگیزه خروج یا مهاجرت از کشور به تفاضل دیدگاه افراد در مورد ارزیابی از وضعیت استقرار در موقعیت فعلی و شرایط مطلوب در جامعه یا کشور مقصد به دست می‌آید. هر چه ارزیابی فرد از محیط پیرامون خود در مقایسه با حالت آرمانی منفی‌تر باشد، تمایل و انگیزه او برای دستیابی به موقعیتی مناسب‌تر افزایش می‌یابد و به عکس، هر چه فرد دیدگاهی مثبت‌تر نسبت به وضعیت فعلی خود در ذهن تصور کند انگیزه او برای مهاجرت به خارج از کشور کاهش خواهد یافت. هر چند پدیده مهاجرت به‌طور عام و خروج مغزها و نیروهای نخبه به‌طور خاص با پیشینه‌ای طولانی در بیشتر کشورهای جهان وجود داشته است و دارد، اما در جهان امروز جلوه آن بارزتر و پررنگ‌تر شده است، از طرفی نیاز مبرم کشور ما به حفظ منابع مالی و انسانی، توجهی جدی‌تر را به موضوع راههای جلوگیری از خروج یا مهاجرت اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. آمارها نشان دهنده این واقعیت تکان‌دهنده اند که پدیده مهاجرت به‌ویژه

خروج مغزها خسارتهای مستقیم و غیرمستقیم زیانبار و بسیار را به کشور تحمیل کرده است که پیشگیری این خسارات و تبعات زیانبار آن نیاز به بررسیهای کارشناسانه و محققانه و همه‌جانبه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و حتی روانی و داخلی و خارجی دارد. همچنین آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه‌شده در زمینهٔ وسعت و دامنه پدیده فرار مغزها در ایران، گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار از سرمایه انسانی بالا و بسیار کارآمدی همچون استادان دانشگاهها، پزشکان، پژوهشگران، مهندسان و غیره، به‌صورت یک معضل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور درآمده و بیمها و نگرانیهای زیادی را در کشور برانگیخته است (خاوری نژاد، ۱۳۹۴). از این رو، ضرورت دارد که پیش از هر کار به مطالعه و تحقیق دربارهٔ عواملی پرداخت که مانع از مهاجرت نخبگان به خارج می‌شود. گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرتها اهمیت بسیار بالایی دارد، اما همواره نمی‌توان آنها را عوامل منحصر به فرد برانگیزاننده به حساب آورد. در طبقه‌بندی انگیزه‌های مهاجرتی (پیکوت،^۱ ۱۹۷۵) علاوه بر عوامل ارادی که اغلب جنبه اقتصادی دارد و شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و دیگر انگیزه‌های شغلی است، به انگیزه‌هایی متعدد همچون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه‌های مربوط به تحصیل اعضای خانوار، تحمل‌ناپذیر شدن شرایط زیست در مبداء، تمایل به زندگی در هر جای دیگر، همچنین به انگیزه‌های سیاسی و تاریخی اشاره می‌کند که بخش اعظم آنها به دیدگاههای فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می‌شود و چه بسا به هنگام آغاز مهاجرت و بعد از آن هم بار اقتصادی قابل ذکری نداشته باشد. یکی از عواملی که می‌تواند مانع از مهاجرت نخبگان و جوانان مدال آور المپیادهای علمی گردد، تقویت دیدگاههای فرد نسبت به هویت ملی و تعلق به خانواده و پایبندی به سنتها و ارزشهاست. بارور کردن باورها (مانند علاقه به میهن، دینداری، افتخار به مسلمان بودن و ایرانی بودن، علاقه به سنتها، باورها و غیره) در این افراد، می‌تواند گرایش آنان را به مهاجرت کاهش دهد، زیرا در داخل کشور نسبت به خارج از کشور، توجه بیشتری به این باورها می‌شود. پدران و مادران در پرورش، نگهداری و شکوفایی هر چه بیشتر استعداد و توانمندیهای این دانش‌آموزان در مراحل مختلف تحصیلی نقش مهمی دارند و بایستی بتوانند با همبستگی خانوادگی عمیق‌تر، دلبستگی بیشتر به میهن و یادآوری هویت واقعی و ارزشهای دینی و ملی به ایشان، در کنار توجه به توانمندیهای فرزندان در زمینه‌های علمی و شخصیتی، انرژی مثبتی در آنان برای کسب نتایج مطلوب ایجاد کنند. این نوشته نیز در پی

آن است که با بررسی این موضوع دریابد که میان تعلق خانوادگی، حفظ هویت، پابندی به سستیهای مانند باورهای مذهبی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان شرکت کننده در المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان چه رابطه ای وجود دارد؟

هدفها و پرسشها

با توجه به آنچه گفته شد، این بررسی در پی دستیابی به هدفهای زیر است:

- بررسی رابطه میان تعلق خانوادگی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی
- بررسی رابطه میان هویت ملی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی
- بررسی رابطه میان پابندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی

پرسشهای طرح شده در این بررسی عبارت اند از:

- نوع و شدت رابطه میان تعلق خانوادگی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟
- نوع و شدت رابطه میان هویت ملی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟
- نوع و شدت رابطه میان ارزشها و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟

روش پژوهش

با توجه به ویژگیها و هدف اصلی این بررسی، می توان گفت: این تحقیق از نظر هدف، در زمره پژوهشهای کاربردی و از جنبه ماهیت و روش در حیطه تحقیقات همبستگی قرار می گیرد. در بخش کمی جهت ارزیابی پدیده مورد توصیف از روش تحقیق توصیفی- پیمایشی (میدانی) استفاده شده است.

ابزار گردآوری دادهها

در گردآوری دادههای مورد نیاز این بررسی، از روش کتابخانه ای (اسنادی) و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. در روش کتابخانه ای برای گردآوری اطلاعات مورد نظر از منابع علمی و پژوهشی موجود در کتابخانه ها و پایگاههای اطلاعاتی بهره گرفته شده است. برای گردآوری پاسخها و نظرات نمونه های تحقیق در زمینه متغیرهای پژوهش، پرسشنامه ای محقق ساخته مورد استفاده قرار گرفته است.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

روایی تحقیق حاضر به روش صوری و محتوایی که مهم‌ترین نوع روایی است، برآورد شده است. برای این منظور اقدامات زیر انجام شده است. برای ساخت ابزار اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، هر یک از متغیرها با استناد به منابع علمی متعدد و موثق به صورت عملیاتی تعریف سپس گویه‌های مناسب طراحی شده‌اند. پرسشنامه‌های تحقیقاتی دیگر گزارشهای پژوهشی که مرتبط با موضوع تحقیق بوده، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌اند. نمونه مقدماتی ابزار گردآوری داده تهیه و اصلاحات لازم معمول شده است. تغییرات و اصلاحات ضروری ناشی از اجرای آزمایشی پرسشنامه نیز مورد توجه قرار گرفته و اعمال شده است. همچنین برای محاسبه پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این ترتیب که ضریب آلفای کرونباخ یک اجرای مقدماتی با حدود ۴۵ پرسشنامه به وسیله نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است و این ضریب برای تعلق خانوادگی و هویت ملی ۰,۸۷ و برای گرایش به مهاجرت ۰,۷۹ به دست آمده که نمایانگر همسانی درونی بالای پرسشهای پرسشنامه و اعتبار بالای آن بوده است. همچنین اعتبار بیرونی (قابلیت تعمیم‌پذیری) نتایج از طریق انتخاب تصادفی گونه‌های مورد بررسی تا اندازه زیادی تضمین شده و حجم بالای نمونه (۳۰۰ نفر) از جامعه مورد مطالعه به افزایش اعتبار نتایج کمک بسیار می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده ابتدا در سطح توصیفی با استفاده از شاخصهای آماری به توصیف و تلخیص ویژگیهای جمعیت شناختی افراد نمونه شامل جنسیت، پایه تحصیلی و سن دانش آموزان شرکت کننده در المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان پرداخته شده است. همچنین به منظور بررسی وجود همگونی میان گرایش به مهاجرت و متغیر جمعیت شناختی جنسیت از آزمون کای دو استفاده شده است. سپس در پی بررسی نوع توزیع متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (KS) کمک گرفته شده است. در نهایت از آزمون کای دو و ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور تعیین وجود رابطه و نوع رابطه میان متغیرهای اصلی پژوهش (تعلق خانوادگی، هویت ملی و گرایش به مهاجرت) استفاده شده است.

متغیرهای تحقیق

تعلق خانوادگی: نمره فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند میزان استحکام خانواده در کشور ما، پاسخ به گویه‌های وابستگی به والدین، پیوندهای دوستی، داشتن شانس ازدواج مطلوب (تشکیل خانواده) و ... در ایران، نشان‌دهنده سطح تعلق او به خانواده است.

هویت ملی: نمره فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند افتخار به مسلمانی، علاقه به نوروز، انجام دادن مراسم چهارشنبه سوری و همچنین نمره‌ای که به کشور ایران داده‌اند یا پاسخی که گویۀ تحمل دوری از وطن و خانواده‌ام را ندارم، سطح پابندی او به هویت ملی است. با وجود این متغیرها، یک پرسش مهم و در عین حال عاطفی از دانش‌آموزان پرسیده شده است که در مجموع و با توجه به همه متغیرها و ویژگی‌هایی که برای دستیابی به زندگی مطلوب و ایده‌آل وجود دارد، نظرشان را در زمینه رابطه هویتی آنها با کشورشان به طور غیرمستقیم با این سؤال به چالش می‌کشد: «فکر می‌کنید که اگر در ایران بمانید احساس مفیدبودن بیشتری خواهید داشت یا در خارج از کشور؟»

پابندی به ارزشها: نمره فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند علاقه به شنیدن صدای اذان، نماز خواندن، افتخار به مسلمانی، علاقه به حجاب و اعتقاد به دعا و نذر، نشان‌دهنده سطح پابندی او به ارزشها، از جمله مذهب است. با بهره‌گیری از این پرسشها میزان تعلق خانوادگی، هویت ملی و پابندی به ارزشها، برابر با حاصل جمع گویه‌های یاد شده است. بنابراین حداقل نمره هر یک از متغیرها، برابر با ۵ و حداکثر آن ۲۵ است. نمره ۵ تا ۱۲،۹ با گرایش ضعیف، نمره ۱۳ تا ۱۸،۹ با گرایش متوسط و نمره ۱۹ تا ۲۵ به عنوان گرایش قوی شناخته می‌شود.

گرایش به مهاجرت: در این پژوهش گرایش به خروج از کشور، به شدت توافق جوانان برای خروج از کشور براساس ملاکها و نمره‌هایی که به شرح زیر تهیه شده است، اطلاق می‌شود. نمره گرایش نشان می‌دهد که فرد تا چه حد تمایل دارد که در خارج از کشور یا در کشور ایده‌آل خود زندگی کند و از دیگر سو حکایت از آن دارد که پاسخگو تا چه حد علاقه‌مند به ارزشها و شرایط فعلی کشور است (اگر زمینه‌ای فراهم شود برای همیشه از ایران خواهم رفت، یکی از گویه‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری این متغیر بوده است). در این بررسی نمره گرایش به خروج از کشور، از حداقل ۵۱ تا حداکثر ۲۵۵ بوده است و پاسخگوها از نظر میزان گرایش با فاصله ۶۸ نمره به سه سطح گرایش ضعیف به خروج (۵۱ تا ۱۱۸/۹)، گرایش متوسط به خروج (۱۱۹ تا ۱۸۶/۹) و گرایش قوی به خروج (از نمره ۱۸۷ تا ۲۵۵)، تقسیم شده‌اند که گرایش سوم (قوی)

نشان‌دهنده دیدگاه منفی به کشور است. گزینه‌های پاسخ برای هر پرسش بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است.

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان نخبه‌ای بوده است که از طریق سازمان استعدادهای درخشان شناسایی شده و در سالهای تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳-۱۳۹۴ در المپیادهای علمی کشوری و جهانی شرکت داشته‌اند، شمار این دانش‌آموزان در زمان انجام دادن تحقیق، بیش از ۹۰۰ نفر بوده است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه آماری طرح، ۳۰۰ دانش‌آموز شرکت‌کننده در آزمونهای المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول معروف کوکران استفاده و شمار افراد نمونه در حدود ۲۸۶ نفر محاسبه و برآورد شده است. برای داشتن تعداد کافی از نمونه‌ها، به ۳۰۰ نفر دانش‌آموز یادشده مراجعه و داده‌های لازم گردآوری شده و در نهایت حدود ۲۸۶ پرسشنامه استخراج و تحلیل شده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. به این ترتیب که با توجه به ترکیب ۵۲٫۱ درصد پسران و ۴۶٫۹ درصدی دختران دانش‌آموز شرکت‌کننده در آزمونهای سازمان استعدادهای درخشان، سعی شده است تا نمونه نیز هماهنگ و متناسب با جامعه آماری باشد. بنابراین به ۱۵۸ نفر از پسران و ۱۴۲ نفر از دختران شرکت‌کننده در آزمونها مراجعه و پرسشنامه میان آنان توزیع شده است.

یافته‌های پژوهش

براساس جدول شماره ۱، ۴۶٫۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دختر و ۵۲٫۱ درصد پسر بوده‌اند؛ ۱٫۰ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند.

جدول ۱. فراوانی مربوط به جنسیت پاسخ‌دهندگان

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
دختر	۱۳۴	۴۶٫۹	۴۷٫۳	۴۷٫۳
پسر	۱۴۹	۵۲٫۱	۵۲٫۷	۱۰۰٫۰
بی‌پاسخ	۳	۱٫۰		
کل	۲۸۶	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	

به طوری که که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود پایه تحصیلی ۳۶,۴ درصد از پاسخ دهندگان اول دبیرستان، ۳۵,۷ درصد دوم دبیرستان، ۰,۳ درصد سوم دبیرستان، ۷,۷ درصد چهارم دبیرستان و ۱۴,۷ درصد پیش دانشگاهی است. ۵,۲ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده اند.^۱

جدول ۲. فراوانی مربوط به پایه تحصیلی پاسخ دهندگان

درصد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اول دبیرستان	۱۰۴	۳۶,۴	۳۸,۴	۳۸,۴
دوم دبیرستان	۱۰۲	۳۵,۷	۳۷,۶	۷۶,۰
سوم دبیرستان	۱	۰,۳	۰,۴	۷۶,۴
چهارم دبیرستان	۲۲	۷,۷	۸,۱	۸۴,۵
پیش دانشگاهی	۴۲	۱۴,۷	۱۵,۵	۱۰۰,۰
بی پاسخ	۱۵	۵,۲		
کل	۲۸۶	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

براساس جدول شماره ۳، ۲,۸ درصد از پاسخ دهندگان در مدرسه سلام، ۲۳,۴ درصد در علامه حلی، ۲,۱ درصد در انرژی اتمی، ۰,۳ درصد در مدرسه آیت الله خامنه ای، ۴۷,۲ درصد در مدرسه فرزنانگان، ۱,۷ درصد آیت الله طباطبایی، ۰,۳ درصد مفید، ۰,۳ درصد نیکان، ۰,۳ درصد آیت الله مدنی و ۱۸,۲ درصد بهشتی درس می خوانده اند. ۳,۱ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده اند.

جدول ۳. فراوانی مربوط به محل تحصیل مدرسه پاسخ دهندگان

درصد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
سلام	۸	۲,۸	۲,۹	۲,۹
علامه حلی	۶۷	۲۳,۴	۲۴,۲	۲۷,۱
انرژی	۶	۲,۱	۲,۲	۲۹,۲
آیت الله خامنه ای	۱	۰,۳	۰,۴	۲۹,۶
فرزنانگان	۱۳۵	۴۷,۲	۴۸,۷	۷۸,۳
آیت الله طباطبایی	۵	۱,۷	۱,۸	۸۰,۱
مفید	۱	۰,۳	۰,۴	۸۰,۵
نیکان	۱	۰,۳	۰,۴	۸۰,۹
آیت الله مدنی	۱	۰,۳	۰,۴	۸۱,۲
بهشتی	۵۲	۱۸,۲	۱۸,۸	۱۰۰,۰
بی پاسخ	۹	۳,۱		
کل	۲۸۶	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

سن و جنسیت: سن ۱۹/۲ درصد از پاسخ دهندگان کمتر از ۱۶، ۳۸,۱ درصد ۱۶، ۱۸,۲ درصد ۱۷ و ۲۴,۱ درصد ۱۸ و بیشتر است. ۰,۳ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده اند. همچنین، در این بررسی،

۱. معیار درصدها، با توجه به سهمیه ها و تعداد قبول شدگان هر پایه تحصیلی از سوی سازمان استعدادهای درخشان بوده است.

میان متغیر جنسیت و گرایش به خروج از کشور ارتباطی وجود ندارد، زیرا میزان سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر است با توجه به آزمون کای دو صورت گرفته سطح معناداری ۰,۴۳۲، درجه آزادی ۲۶ و مقدار ضریب کای ۲۶/۵۸۱ به دست آمده است.

تجربه داشتن رتبه در المپیادها: در بررسی نمونه آماری از لحاظ تجربه کسب رتبه المپیاد، ۲۶,۲ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای رتبه در المپیاد بوده اند و ۷۱,۳ درصد رتبه ای نداشته اند، ۲,۴ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند.

تعلق خانوادگی: یافته‌های این بررسی نشان داد که در نظر ۶۸/۵ درصد از پاسخگویان، استحکام خانواده در ایران بیش از خارج کشور است و در مقابل حدود ۲۴ درصد نیز بر این عقیده بوده اند که استحکام کانون خانواده در خارج کشور بیشتر از داخل ایران است. نکته دیگر این است که رقابتهای فامیلی و دخالتهای دیگران در امور خانوادگی و فردی یکی از سببهای کوچ مهاجرت افراد به‌ویژه از مناطق روستایی به شهری است. در کشور ما به سبب برخورداری از برخی ویژگیهای فرهنگی و ارتباطات خانواده‌ها با یکدیگر در برخی مواقع تعامل خویشاوندان به حد افراطی و دخالت نزدیک می‌شود و موجبات رنجش دیگران را فراهم می‌کند. در حدود ۸۱ درصد پاسخگویان بر این باورند که این رقابت در ایران بالاتر از دیگر کشورهاست و ۱۲/۴ درصد بر حذف آن نظر داشته‌اند و بیان کرده‌اند که این نوع رقابتها در خارج کشور بیشتر و بالاتر است و به عبارت دیگر در ایران کم یا در حد بسیار کم است.

هویت ملی: بررسی میزان هویت ملی و گرایش به خروج از کشور با «نمره‌ای که پاسخگویان به کشور ایران داده‌اند» روشن شده است، این گویه، به عنوان سوال کنترل و برای شفاف‌تر کردن نظرات پاسخگویان طراحی شده است. اما نتیجه آن از جنبه‌های گوناگون جالب به نظر می‌رسد. با توجه به مقدار سطح معناداری، میان این دو متغیر ارتباط وجود دارد و روشن است هر چه گرایش افراد به خروج از کشور افزایش می‌یابد، نمره‌ای که به ایران می‌دهند، کاهش می‌یابد.

جدول ۴. گرایش به خروج از کشور و نمره‌ای که به کشور ایران داده‌اند

گرایش به مهاجرت	نمره اعطایی	کمتر از ۰	۰ تا ۵	۵ تا ۱۰	۱۰ تا ۱۵	۱۵ و بیشتر از ۱۵	جمع
گرایش ضعیف	۱	۰	۱	۳	۱۷	۴۲	۶۳
گرایش متوسط	۲	۲	۷	۳۹	۵۵	۵۲	۱۵۵
گرایش قوی	۳	۰	۸	۶	۱۳	۰	۲۷
جمع	۲	۱۶	۴۸	۸۵	۹۴	۲۴۵	

سطح معنا داری	درجه آزادی	کای
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۷۴/۲۶۷

همان‌گونه که گفته شد، به منظور تشخیص آزمون آماری مناسب، از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده است. جدول شماره ۵ نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف

تعداد	پابندی به ارزشها	گرایش به مهاجرت
	۲۸۳	۲۷۳
پارامترهای نرمال	۳،۵۱۲۱	۳،۴۲۹۳
	۰،۸۱۲۴۲	۰،۸۴۸۸۸
آماره کولموگوروف-اسمیرنوف	۰،۰۶۹	۰،۰۷۸
Sig (دوطرفه)	۰،۰۰۳	۰،۰۰۰

براساس جدول شماره ۵، معیار sig در هر دو متغیر کمتر از ۰،۰۵ است. بنابراین، می‌توان ذکر کرد که نمونه تحقیق غیرنرمال است. در نتیجه، برای بررسی ارتباط میان متغیرهای اصلی پژوهش (پابندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت از کشور) بایستی از آزمون ناپارامتریک کای دو و ضریب همبستگی اسپیرمن نیز بهره گرفته می‌شد.

با توجه به داده‌های آزمون کای دو (جدول شماره ۶) هر چه سطح پابندی به ارزشها در فرد بیشتر باشد، میل به خروج از میهن کاهش می‌یابد. سطح معناداری در این آزمون ۰،۰۰۰/، درجه آزادی ۶۶، و ضریب کای دو ۶۵۸/۴۵۰ است.

جدول ۶. نتایج آزمون کای دو مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش

گرایش به مهاجرت	پابندی به ارزشها	پابندی ضعیف	پابندی متوسط	بسیار پابند	جمع
گرایش ضعیف	۱	۰	۹	۶۱	۶۹
گرایش متوسط	۲	۲	۷۴	۸۵	۱۶۱
گرایش قوی	۳	۱۱	۱۱	۵	۲۷
جمع	۱۳	۱۳	۹۳	۱۵۱	۲۵۷

نتایج حاصل از انجام آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول شماره ۷ خلاصه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیرها	ضریب همبستگی	sig
پابندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت	-۰،۶۴۸	۰،۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن، رابطه ای معنادار میان متغیرهای تعلق خانوادگی، هویت ملی، پابندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت وجود دارد و هرچه باورهای

مذهبی افزایش یابد گرایش به مهاجرت کاهش می یابد. در جدول شماره ۸ نیز پاسخگویان میزان تعلق خاطر خود را نسبت به خانواده، هویت و باورها و ارزشهای جامعه، به گونه ای دیگر نشان داده اند.

جدول ۸. پاسخها و دیدگاههای پاسخگویان درباره شاخصهای مورد نظر برای سنجش میزان هویت ملی و پابندی به ارزشها

	گویه	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	نامشخص	جمع درصد	جمع فراوانی
۱	زندگی در ایران را بر هر کشوری ترجیح می دهم.	۲۵/۲	۲۳/۱	۲۲/۷	۱۸/۵	۹/۱	۱/۴	۱۰۰	۶۸۵
۲	برای کسی که پول داشته باشد زندگی در ایران بهتر است.	۲۳/۸	۲۳/۸	۳۴/۳	۱۲/۶	۳/۵	۲/۱	۱۰۰	۶۸۷
۳	اگر زمینه ای فراهم شود برای همیشه از ایران خواهم رفت.	۱۵/۰	۱۴/۳	۲۳/۱	۲۴/۱	۲۰/۶	۲/۸	۱۰۰	۶۸۵
۴	متخصصانی که برای همیشه به خارج از کشور مهاجرت می کنند «وطن فروش» هستند.	۸/۰	۷/۳	۳۰/۸	۲۲/۰	۲۹/۰	۲/۸	۱۰۰	۶۸۱
۵	اگر در خارج از کشور زندگی کنم برای کشورم مفیدترم.	۶/۶	۹/۴	۴۳/۷	۲۶/۲	۱۰/۱	۳/۸	۱۰۰	۶۷۶
۶	برایم فرقی نمی کند در کدام کشور زندگی بکنم، فقط ایران نباشم	۳/۸	۴/۵	۲۰/۶	۳۰/۱	۳۸/۸	۲/۱	۱۰۰	۶۸۰
۷	دوست دارم در کشوری زندگی کنم که هر روز صدای اذان را از مساجد آن بشنوم	۲۶/۶	۲۴/۱	۳۸/۱	۵/۶	۳/۱	۲/۴	۱۰۰	۶۸۱
۸	بیشتر کسانی را که می شناسم، مایلند برای همیشه در خارج از ایران زندگی کنند.	۱۳/۶	۲۳/۸	۳۲/۵	۲۳/۴	۴/۹	۱/۷	۱۰۰	۶۷۷
۹	برنامه خروج نخبگان از کشور یک توطئه استعماری است	۱۴/۷	۱۴/۰	۳۷/۴	۱۵/۴	۱۵/۷	۲/۸	۱۰۰	۶۸۳
۱۰	پدر و مادرم مرا تشویق به نماز خواندن می کنند.	۴۴/۴	۲۶/۶	۱۹/۲	۳/۸	۳/۱	۲/۸	۱۰۰	۶۸۱
۱۱	هر کجا باشم مسلمانم و خود را پاسدار فرهنگ اسلامی می دانم.	۴۶/۲	۲۱/۰	۲۴/۵	۳/۸	۲/۴	۲/۱	۱۰۰	۶۸۴
۱۲	تحمل دوری از وطن و خانواده ام را ندارم.	۲۹/۷	۲۳/۱	۲۵/۹	۱۱/۲	۷/۷	۲/۴	۱۰۰	۶۸۱
۱۳	هر ایرانی مراسم عید نوروز را بایستی همیشه برگزار کند.	۴۷/۶	۲۳/۸	۱۸/۹	۴/۵	۳/۱	۲/۱	۱۰۰	۶۸۵
۱۴	برگزاری مراسم چهارشنبه سوری را ضروری می دانم.	۲۴/۱	۲۱/۳	۳۰/۴	۸/۰	۱۴/۰	۲/۱	۱۰۰	۶۸۴
۱۵	دوست دارم در کشوری زندگی کنم که زنان در آنجا حجاب را رعایت کنند.	۲۲/۰	۱۵/۷	۴۲/۷	۱۰/۵	۷/۰	۲/۱	۱۰۰	۶۸۲

۱۶	رفتن به سربازی را برای هر جوان ایرانی لازم می‌دانم.	۲۱/۳	۱۶/۴	۳۱/۱	۱۲/۹	۱۶/۱	۲/۱	۱۰۰	۶۸۲
۱۷	دعا و نذر و نیاز برای رفع مشکلات روحی بسیار لازم است.	۳۹/۵	۳۲/۵	۱۶/۸	۴/۹	۳/۸	۲/۴	۱۰۰	۶۸۶

پاسخها به خوبی گویا هستند. با توجه به گویه ۱ (زندگی در ایران را به هر کشوری ترجیح می‌دهم) ملاحظه می‌شود که ۴۸/۳ درصد با این نظر به‌طور کامل موافق یا موافق بوده‌اند، حدود ۲۸ درصد (تقریباً نصف رقم قبلی) با آن به‌طور کامل مخالف یا مخالف هستند. در ادامه و در پرسش پنجم از پاسخگو خواسته شده است تا نظر خود را در مورد این گویه که «اگر در خارج از کشور زندگی کنم برای کشورم مفیدترم» را ابراز کند. در پاسخ این پرسش نیز به مخالفت با خروج از کشور بر دیگر حالتها، غلبه بیشتری دارد. به طوری که حدود ۳۶ درصد با این جمله مخالف و بر این نظرند که «بقا در کشور، احساس مفید بودن را افزایش می‌دهد» در مقابل فقط ۱۶ درصد با آن موافق یا به‌طور کامل موافق بوده‌اند. در سوال ۶ گویه فوق، به شکل دیگری طرح شد که موافقت با آن نشان‌دهنده گرایش شدید به خروج از کشور و مخالفت اساسی با هنجارها و معیارهای اساسی حاکم بر کشور است. بیش از ۶۸ درصد با این جمله که «فرقی نمی‌کند در کدام کشور زندگی کنم، فقط در ایران نباشم» مخالفت یا به‌طور کامل مخالفت کرده‌اند. برای تعیین میزان تقید و پابندی جوانان به ارزشها و آموزه‌های دینی و فرهنگی، پرسش «هر کجا باشم مسلمان و خود را پاسدار فرهنگ اسلامی می‌دانم» طرح شد. در حدود ۶۷ درصد با آن موافق و یا به‌طور کامل موافق هستند و در حدود ۶ درصد نیز با آن مخالف‌اند. ۵۳ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که «تحمل دوری از وطن و خانواده خود را ندارند» و در حدود ۱۹ درصد نیز گفته‌اند که قادر به تحمل این وضعیت هستند. در مورد برگزاری عید نوروز، در حدود ۷۱ درصد از جوانان معتقدند که «ایرانی باید مراسم عید نوروز را همیشه برگزار کند». ۴۵/۴ درصد پاسخ دهندگان، بر این باورند که سنت چهارشنبه سوری باید بر پا شود، در مقابل ۲۲ درصد نیز مخالف این رای بوده‌اند. در این بررسی نزدیک به ۳۸ درصد از پرسش‌شوندگان کشوری را دوست دارند که زنان در آنجا حجاب را رعایت می‌کنند، و کمتر از ۱۸ درصد نیز کشوری را نمی‌پسندند که زنان حجاب را مراعات می‌کنند. درباره رفتن به سربازی و اجباری بودن آن، تعداد کسانی که رفتن به سربازی را لازم می‌دانند (۳۸ درصد) و کسانی که آن را لازم نمی‌دانند (۲۹ درصد) تقریباً متعادل است. در این بررسی ۷۲ درصد دانش‌آموزان دعا و نذر و نیاز را برای رفع مشکلات روحی لازم دانسته‌اند و درصد بسیار کمی در حدود ۹ درصد نیز با آن مخالفت کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با آنکه از مجموع یافته‌های این نظرخواهی چنین برمی‌آید که «گرایش دانش‌آموزان المپیادی نسبت به مهاجرت به خارج از کشور بسیار بالا و معنادار است، اما یافته‌ها این نکته مهم را نیز نشان می‌دهد که گرایش به مهاجرت در میان دانش‌آموزانی که تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها از جمله باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، کمتر است. تغییر نگرشها که بی‌تردید تغییر گرایش و تمایل به خروج را نیز در پی دارد، کار آسانی نیست و نیازمند همراهی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری، فرهنگی، روانی و حمایت همه‌جانبه این عوامل است. نتیجه برخی از پژوهشهای پیشین نیز، یافته‌های این بررسی را تایید می‌کند، برای نمونه، مؤلفان پژوهش فرار مغزها (عسگری، کامینگز و دیگران، ۱۹۹۷) یکی از مؤلفه‌های مرتبط و تاثیرگذار با خروج نخبگان و فرار مغزها را، شرایط اجتماعی مانند بیگانگی فرهنگی و انطباق‌پذیری ذکر کرده‌اند. نتیجه یک نظرسنجی درباره عوامل امیدواری دانشجویان نسبت به متغیرهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه (سمتی، ۱۳۷۹) تا حدی با موضوع این بررسی مشابهت دارد. از جمله اینکه از دانشجویان خواسته شده است که عوامل مؤثر در امیدواری را ذکر کنند. بیشتر پاسخگویان نقش خانواده و تعلق به آن را مهم دانسته‌اند. در پژوهش دیگری که به منظور بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران صورت گرفته است (محسنی ۱۳۷۹)، نتیجه گرفته شده است: آنهايي که کشور را در شرایط پایین‌تری ارزشیابی می‌کنند گرایش بیشتری هم به ترک کشور دارند. با توجه به این موضوع راهکارهای زیر برای کاهش مهاجرت نخبگان پیشنهاد می‌شوند:

- تشویق و ترغیب والدین به ارتباط بیشتر با فرزندان‌شان به گونه‌ای که بتوانند زمان بیشتری را با هم بگذرانند.
- ایجاد حس هویت و غرور ملی در میان دانش‌آموزان و تشویق آنان به فراگیری فلسفه آیینهای سنتی و آشنایی بیشتر با گذشته پر افتخار نیاکان.
- ترغیب دانش‌آموزان به باورمند شدن و همچنین تشویق آنان به انجام کارهای خدایندانه و دوری از کارهایی که ترکش نیکو است.

موارد مطرح شده در بالا می‌تواند پایبندی به ارزشها و باورهای مذهبی دانش‌آموزان المپیادی را تقویت کند و در نهایت گرایش به خروج از کشور را در میان آنها کاهش دهد.

با توجه به خوانش نظریه‌های گوناگون درباره دلایل و علت‌های مهاجرت، پژوهنده و راقم این سطور بر این باور است که دیدگاه این تحقیق به تئوریهای اجتماعی و فرهنگی که مهاجرت را

همواره ارادی نمی‌دانند و به کششها و رانشهای مقصد و مبدا توجه می‌کنند، نزدیکی بیشتری دارد. این نظر به دیدگاههای جاذبه مهاجرتی «زیمپ»^۱، «پرتز»^۲ و «اورت اس. لی»^۳ و تئوری بحران منزلتی آنان متکی است و از این نگاه به مساله و مطالعه موضوع نگریسته است. نباید از یاد برد که در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، قرار است ایران قدرت اول منطقه باشد و این مهم بدون حضور آزاد و توانمند نخبگان در عرصه‌های مدیریتی کشور محقق نمی‌شود و همین دانش آموزان المپیادی امروز در آینده ای نه چندان دور بخشی از آنان هستند.

-
1. Zimop
 2. Peretz
 3. Lee , Everett S.

منابع

- آسمند، علی. (۱۳۸۵). *میزگرد بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی پدیده فرارمغزها در ایران*. تهران: معاونت علمی بسیج دانشجویی و باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران.
- اولیایی، محمد. (۱۳۸۵). سمینار "گزارش وضعیت جمعیت جهان". گزارش سمینار ۸۵/۷/۱۵. تهران: دانشگاه تهران.
- بررسی وضعیت علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن آمریکا. (۱۳۷۲). نیویورک: نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد.
- حاج محمدی، زهرا. (۱۳۸۲). می روند و نمی آیند. روزنامه همشهری، شنبه ۲۳ اسفند، شماره: ۳۳۳۴.
- خاوری نژاد، سعید. (۱۳۹۴). بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سالهای ۹۰-۱۳۷۰. تهران: انتشارات اقتصاد.
- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۱، ۹ خرداد). ۶۲ درصد مدال‌آوران المپیادی مهاجرت کرده‌اند. کد خبر: ۹۱۰۳۰۹۰۶۰۷۱.
- سمتی، محمد هادی. (۱۳۷۹). *روابط بین الملل، کالبد شکافی یک تحول*. تهران: دانشگاه تهران.
- صفوی، امان الله. (۱۳۸۶). *روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات رشد.
- عسکری، حسین و کامینگر، جان توماس و سایر همکاران. (۱۹۹۷). *فرار مغزها، انتقال معکوس تکنولوژی*. (ترجمه مجید محمدی، ۱۳۷۶). تهران: نشر قطره.
- فلاحی، کیومرث. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده. دانش و توسعه، ۱۵ (۲۴)، ۱۰۷-۱۳۷.
- محسنی ثانی، محمد رضا. (۱۳۹۱). مهاجرت مدال‌آوران المپیادهای علمی تبعات منفی دارد. خبرگزاری آریا، سه شنبه ۹ خرداد. www.javanemrooz.com.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۹۴). *زبان و مهاجرت (پیامدهای زبانی مهاجرت ایرانیان به آمریکا)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منتظر، غلامعلی. (۱۳۸۲). *فرار مغزها، صدوراندیشه، استعداد، خلاقیت*. ارائه شده در دومین سمینار علم، تکنولوژی و توسعه. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- نجاتی، محمد حسین. (۱۳۹۱). *المپیاد مهاجرت. روزنامه شرق*، ۹ خرداد، ص. ۱.
- وقوفی، حسن. (۱۳۸۰). *فرار مغزها: بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون*. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- Crush, J. (2006). *The brain drain of health professionals from Sub-Saharan Africa to Canada*. South Africa: Isada.
- Glassman, C. F. (2014). *Brain drain - The breakthrough that will change your life*. US: RTS Publishing.
- Picouet, M. (1975). *Migration, sources analyze demographics*, Vol5, Paris.
- Wood, J. (2009, Oct. 5). Brain drain, The scientific fictions of Richard Powers. *The New Yorker*. Retrieved from <http://www.newyorker.com/magazine/2009/10/05/brain-drain>